

کاربرد مجاز در شعر محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور

خیریه دماک قاسم*

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۰

انور عباس مجید**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۳۰

چکیده

صور خیال در اشعار شاعران دستاورد آگاهی و تجربه ایشان است. ادیبان با بهره‌گیری از محیطی که در آن زیست می‌کنند حال و احوال درونی خویش در آثارشان منعکس می‌سازند. بدین سبب صور خیال ایشان دریچه‌ای برای شناخت بهتر و بیش‌تر ایشان و شعرشان است. قیصر/امین پور و محمد مهدی/الجواهری هر دو از شاعران معاصر ایران و جهان عرب هستند. آرایه مجاز از جمله آرایه‌هایی است که به عنوان عاملی درونی بر تأثیر و نفوذ سخن می‌افزاید. بررسی مجازهای دو شاعر با دو ملیت گوناگون علاوه بر آنکه تصاویر و جهان شاعرانه ایشان را بر ما می‌نمایاند، تفاوت‌ها و اشتراکات اندیشه را نیز بر ما روشن می‌کند.

کلیدواژگان: قیصر امین پور، محمد مهدی الجواهری، شعر، صور خیال، مجاز.

مقدمه

بررسی صورت‌های شعری شاعران حامل اندیشه و مختصات درونی ایشان است. آشنایی با تصاویر و تعبیر و معانی شاعران از طریق صور خیال در شعر ایشان امکانپذیر خواهد بود. شفيعی کدکنی معتقد است که به سبب تجربیات ویژه هر شخص، صور خیال وی نیز مختص خود اوست. از این رهگذر تصویرهای خلق شده شاعران ارتباط مستقیم با تجارب ایشان دارد (ر.ک. شفيعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۱). ایماژ یا خیال یکی از عناصر اصلی در شعر است. خیال تجربه‌ای است که غالباً با بهره‌گیری از عاطفه همراه است. صور خیال محصول آگاهی و تجربه شاعران است که برگرفته از محیط اطراف شاعر است. به بیان دیگر تصاویر شعری، نمایان‌گر احوالات شخصیتی و درونی شاعر است (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۷۷). حقیقت در معانی گوناگون؛ متحقق و ثابت، ثابت شده و تحقق یافته است (القرزوينی، ۱۹۳۲: ۵۵) و در اصطلاح علمای بلاغت به واژه‌ای اطلاق می‌شود که واضع مفهوم و معنای وضع کننده را در نظر داشته باشد (جرجانی، ۱۹۵۴: ۷۷). سکاکی حقیقت را کلمه‌ای می‌داند که در همان معنا به کار رود و نیازی به تأویل نداشته باشد (سکاکی، ۱۳۱۸: ۲۲۳). مجاز برگرفته از جاز - یجوز و مصدری میمی است. این واژه در معنای گذشتن اراده می‌شود. واژگانی که در معنای مجازی به کار گرفته می‌شوند در معنا و مفهومی متفاوت با معنای وضع کننده به کار می‌رود (العلوی یمینی، ۱۴۰۰: ۶۶). مجاز، اشتیاق در خواننده به منظور جست‌وجوی مفاهیم تازه است. مجاز را عاملی درونی دانسته‌اند که سخن را تأثیر و نفوذ بیش‌تری می‌بخشد (کدکنی، ۱۳۵۰: ۸۴). مجاز را تفسیر دور از منطقی از زبان دانسته‌اند. مجاز آنجایی ظاهر می‌شود که زبان و منطقی از هم دور گردند و واژه در معنایی غیر از معنای حقیقی خود به کار رود (ر.ک، شمیسا، ۱۳۹۰: ۶۱). سیوطی مجاز را مجاز لفظی می‌داند که در معنایی غیر از آنچه برای آن وضع شده است به کار رود (سیوطی، ۱۳۱۸: ۱۶۰).

بیان مسأله

مجاز و به طور کلی آرایه‌های شعری دریچه‌ای برای ورود به جهان اندیشه و شعر شاعر است. ماحصل این درک و دریافت سبب آگاهی و شناخت بیش‌تر مخاطب خواهد

شد. مقایسه و بررسی اشعار شاعران غیر هم‌زبان سبب شناخت بیشتر مخاطب از شعر ایشان خواهد شد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی مجاز در شعر قیصر امین پور و محمد مهدی الجواهری است.

نوع پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد و نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری مطالب از مجموعه اشعار قیصر امین پور و محمد مهدی الجواهری و نیز تحقیقات پژوهندگان و نویسندگان و جامعه شناسان آن‌ها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه پژوهش

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره وجوه گوناگون شعر قیصر امین پور و محمد مهدی الجواهری نوشته شده است. اما پژوهشی که با نگاهی اختصاصی به مجاز در شعر قیصر امین پور و محمد مهدی الجواهری پردازد، انجام نشده است.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های ادبی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد. مجموعه اشعار قیصر امین پور و محمد مهدی الجواهری به عنوان اصلی‌ترین منابع اساس مطالعه قرار گرفته است.

محمد مهدی الجواهری

محمد مهدی فرزند شیخ عبدالحسین نجفی، مشهور به جواهری، از شاعران و علمای عرب و ایرانی تبار بود. وی در خانواده‌ای عالم و ادیب به دنیا آمد. علوم گوناگون همچون

صرف و نحو، حساب، معانی و بیان و ... را از دانشمندان و ادیبان عصر خویش فراگرفت و پیش از ده سالگی به سرودن شعر همت گماشت (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۵۱۶).
جوهری در عرصه سیاست نیز وارد شده است. او در سال ۱۳۶۶ ق عضو مجلس شورا شد و به سبب اختلافات که با دولت عراق داشت، به مصر رفت و سپس به سوریه رفت. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان دیوان‌های اشعار، «حلیة الأدب» و «برید العورة» اشاره کرد (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۵۱۶).

صاحب‌نظران معتقدند که اشعار وی به سبب سختی و دشواری اسلوب، مخاطب را به سختی می‌اندازد. وی همواره دیوان متقدمان را مطالعه کرده و در شعر خویش از ایشان بهره گرفته است. از جمله این شاعران می‌توان به بختری، متنبی و بوتمام اشاره کرد (ر.ک. الجبوری، بی‌تا: ۲۵). جوهری از نظر معنا و ساختار با شعر قدیم، خاصه شعر عصر جاهلی و عباسی ارتباط نزدیکی داشت (الجبوری، بی‌تا: ۲۷).

قیصر امین‌پور

امین‌پور از مهم‌ترین شاعران پس از انقلاب است. امین‌پور در آغاز انقلاب اسلامی با چاپ آثارش توانایی خویش را نشان داد و در مسیری تازه قدم برداشت. صاحب‌نظران وی را با القابی همچون سکان‌دار شعر انقلاب و سرآمد اقران خوانده‌اند (ر.ک. شکارسری، ۱۳۸۱: ۵۱ و ر.ک. امیری، ۱۳۸۱: ۳۲).

امین‌پور مسیر شاعری را با تأثر از حال و هوای جنگ شروع کرد و از آسیب‌ها و تبعات جنگ در شعر خویش بهره برد. مهم‌ترین خصیصه شعر امین‌پور و اقران وی همچون حسن حسینی و سلمان هرّاتی بیان مفاهیم دینی و ملی بود. وی نگرشی ویژه به جنگ، ایثار، رزمندگان و ... داشت. دیگر آثار امین‌پور عمق شعر وی را بیش از پیش نشان داد (ر.ک. علیزاده و باقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۸ و ۱۷۹).

اقسام مجاز در شعر قیصر امین‌پور

مجاز به علاقه جزئی

و آن در صورتی است که لفظ جزء ذکر شود و از آن کلّ اراده گردد.

چه اشکال دارد که در هر قنوت

دمی بشنو از نی حکایت کنیم؟

(امین پور، ۱۳۸۸: ۶۴)

قنوت جزء و نماز کل است و در اینجا مجاز به علاقة کلیه است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۹۹).

با ناخن‌ام به سنگ نوشتم بیا بیا

زان پیش‌تر که پاک شود یادگاری‌ام

(امین پور، ۱۳۸۷: ۸۳)

ناخن جزء است و با گفتن آن دست که کل است اراده شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۹۹).

در شهر ما

دیوارها پر از عکس لاله‌هاست

اینجا

وضعیت خطر گذرا نیست

(امین پور، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

لاله جزء و شهید کل است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

از آسمان به دامن‌ام افتاده آفتاب

یا چون گل از بهشت خدا چیده‌ام تو را

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۵)

آفتاب در این بیت کل است و شعاع آفتاب که جزء است، خواسته شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

تمام عبادات ما عادت است

به بی‌عادتی کاش عادت کنیم

(امین پور، ۱۳۸۸: ۶۴)

عبادت در بیت بالا کل است و نماز که جزء است، خواسته شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

مجاز به علاقه آلیّه

عضوی از بدن را بگویند و به دلالت التزام کنش آن را اراده کنند (شمیسا، ۱۳۹۰: ۵۳).

این دل نجیب را

این لجوج دیرباور عجیب را

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰)

پاره‌های این دل شکسته را

گریه هم دوباره جان نمی‌دهد

(امین پور، ۱۳۸۸: ۹۹)

به روی نیزه شیرین‌زبانی

عجب بشنو ز نی شکرشانی

(امین پور، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

مجاز به علاقه جنس

جنس چیزی را گویند و به دلالت التزام آن چیز را اراده کنند.

باغ کاغذین شادباش‌ها

باز در دلم شکوفه می‌کند

(دستور زبان عشق: ۵۹)

این هیزم، هرچه خشک‌تر، خوش‌تر

جنگل به روایت تبر این است

(امین پور، ۱۳۸۸: ۷۷)

رفتن و برگشتن و گشتن

لای کاغذپاره‌ها

نامه‌های بی سرانجام پس از عرض سلام...

(امین پور، ۱۳۸۷: ۱۲)

اگر گوش سنگین این کوچه‌ها

فقط یک نفس می‌توانست

(امین پور، ۱۳۸۷: ۳۹)

در بیت فوق؛ گوش سنگین مجاز از کر بودن است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

مجاز به علاقه ما یکون

اگر در مجاز آنچه در آینده می‌شود، ذکر شود اما آنچه هست اراده شود، مجاز به

علاقه ما یکون است.

به بیانی دیگر اگر صفت و اسم آینده چیزی یا کسی را ذکر کنیم اما احوالات امروزی و حال او را بخواهیم (شمیسا، ۱۳۹۰: ۵۴).

برای رسیدن چه راهی بریدم در آغاز رفتن، به پایان رسیدم
به هرکس که دل باختم، داغ دیدم به هرجا که گل کاشتم، خار چیدم

(امین پور، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

واژه «خار» مجاز به علاقه ما یکون است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

مجاز به علاقه ما کان

در این نوع از مجاز، آنچه هست ذکر می‌شود و آنچه در گذشته بوده اراده می‌شود.
این هم شراب خانگی ما بی‌ترس محتسب
آنگاه در خانقاه گرم نگاه تو

(امین پور، ۱۳۸۷: ۱۸)

در این بیت شراب آمده اما انگور که در گذشته بوده، خواسته و اراده شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

تکیه داده‌ام به باد

با عصای استوایی‌ام

روی ریسمان آسمان

ایستاده‌ام

(امین پور، ۱۳۸۷: ۳۱)

در بیت فوق عصا ذکر شده اما چوب که در گذشته بوده طلب شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

مجاز به علاقه شباهت

اگر واژه‌ای به سبب شباهتی که میان واژه‌های دیگر برقرار می‌شود بیاید، علاقه شباهت در میان است:

ندارم شاهدی جز چشم مستات

که اشکام شاهد و آه‌ام گواهی

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۶۹)

بیفشان زلف و مشکن حلقه پیوندهای ما
به بالایت قسم، سرو و صنوبر با تو می‌بالند

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰)

مجاز به علاقه محلیه

بکار بردن جای و آنچه در آن قرار می‌گیرد به دلیل همراهی با هم مجاز محلیه را می‌سازد. یعنی استعمال جای و جای‌گیر به جای هم به دلالت التزام. و آن در صورتی است که لفظ محلّ ذکر شود و حالّ از آن اراده گردد.

این نکته که نوشته‌اند در دفتر عشق
سر دوست ندارد آنکه دارد سر دوست

(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

اینجا ذکر سر و اراده اندیشه انجام شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

مجاز به علاقه عام

در این نوع از مجاز چیزی یا کسی به شکلی عام ذکر می‌گردد اما چیز یا کسی خاص خواسته و طلب می‌گردد. همچنین عموم: و آن در صورتی است که یک چیز شامل بسیاری چیزها شود یا به عبارت دیگر با لفظی که بر عموم دلالت دارد فرد خاصی اراده گردد (طیبیان، ۱۳۷۲: ۹۸).

فرزندم!

رؤیای روشنات را

دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن!

- حتی برادران عزیزت -

می‌ترسم

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲)

فرزند، عام است و حضرت یوسف که خاص است، اراده شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

مبادا خویشان را واگذاریم
امام خویش را تنها گذاریم
(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۵۵)

در بیت فوق «امام» عام است و آیت الله خمینی که خاص است اراده شده است (ر.ک. معمارزاده و بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

اقسام مجاز در شعر مهدی الجواهری

مجاز به علاقه محلیّه

علی وَطَنٍ عَجِيفٍ لَيْسَ يَقْوَى
عَلَى نُوْبٍ مَسْلَسَلَةٍ سَمَانٍ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۸۱)

- برای وطنی که در برابر بلاهای بزرگ و مستمر و زار و ناتوان است (ایروانی زاده و اصلانی و روانشاد، ۱۳۸۸: ۷۵)

در بیت فوق، شاعر در واژه «وطن» به محل اشاره کرده و حال را اراده کرده است.
جواهری در قصیده «یوم الشهداء فی ایران» درباره انقلاب ایرانیان علیه رژیم سلطنتی شاه چنین می گوید:

فرنسا مَا اقْبَحَ الْمُدَّعَى
لَكَ الْوَيْلُ مِنْ رَائِمٍ أُطْعِمَتْ
كِذَاباً وَأَحْبَثَ الْمُدَّعَى
دَمَ الرَّاضِعِينَ وَكَمْ تَشْبَعِ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۶۸۱)

- ای فرانسه چه زشت است ادعای دروغین و چه نابکار، ادعاکننده ای هستی / مرگت باد چه بد دایه سیری ناپذیری هستی که خوراکیات خون بچه های شیرخواری است که تو دایه آن های.

مجاز به علاقه آلیّه

يَدِي يَبْدُ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَزِيهِمْ
مَنْ الظُّلْمِ مَا تَعْيَا بِهِ الْكَلِمَاتُ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۲۰۷)

- دست‌ام در دست نیازمندان است، و آن ظلم‌هایی را که به آن‌ها نشان می‌دهم کلمات از بیان آن ناتوان هستند» (ایروانی زاده و اصلانی و روانشاد، ۱۳۸۸: ۷۶) در بیت بالا، منطبق با تعریف، دست که عضوی از بدن است گفته شده و کنش آن اراده شده است.

وَأَنَا لِسَانُ الشَّعْبِ كُلِّ بَلِيَّةٍ
تَأْتِيهِ أَحْمِلُ ثِقَلَهَا وَأَصَوِّرُ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۵۹۰)

- و من زبان مردم هستم. هر آسیبی را که به آن‌ها می‌رسد می‌کشم و سنگینی آن تصویر را تاب می‌آورم (ایروانی زاده و اصلانی و روانشاد، ۱۳۸۸: ۷۷)

مجاز به علاقه جزئیه

وَبَاتَتْ بَطُونٌ سَاغِبَاتٌ عَلَى طَوَى
وَأَتْخِمَتِ الْآخِرَى بِطَيْبِ الْمَطَاعِمِ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۳۷۸)

- شکم‌های بسیاری شب را با گرسنگی سپری کردند. و در همان حال بسیاری از مردم با شکم‌های پر و غذاهای لذیذ به سوء هاضمه گرفتار آمدند در بیت بالا به «شکم» اشاره شده و کل بدن فرد اراده شده است.

يَا رِيَاضًا زَهْرَتَ فِي فَارِسِ
شَكَرْتُكَ عَيْوُنُ وَأَنْوَفُ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۵۰)

- ای بوستان‌های خرم ایران چشمه‌ها و کوهستان از شما سپاسگزاری می‌کنند در بیت بالا، به باغ‌ها اشاره شده و طبیعت از آن اراده شده است.

مجاز به علاقه کلیه

كُلُّ أَقْطَارِكِ يَا فَارِسُ رِيْفٌ
طَابَ فَصْلَاكُ: رِبِيْعٌ وَخَرِيْفٌ
(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۵۰)

- گوشه و کنار تو؛ ای ایران آبادان و خرم است. فصل‌های تو؛ پاییز و بهار چه زیباست!

در بیت بالا، به ایران اشاره شده و طبیعت آن اراده شده است.

مجاز به علاقه شباهت

یا تولستوی و لم تذهب سُدی ثورة الفکر ولا طارت هباء

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۴۱۱)

- ای تولستوی، بدان که انقلاب تفکر و اندیشه از بین نرفته و باد هوا نشده است

بیت بالا مجاز به علاقه شباهت میان پوچی و باد هوا است.

مَنْ عَلَى عَهْدِكَ كَانُوا الْأَجْرَاءُ قُمْ تَجِدْهُمْ مَالِكِي غَلْتِهِمْ

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۴۱۱)

- برخیز و آن‌ها را ببین که صاحب محصول خویش هستند. کسانی که در روزگار

تو خدمتکاری روزمزد بودند

بیت بالا مجاز به علاقه شباهت میان فقر و بی‌چیزی است.

جواهری در قصیده «یوم الشهداء فی ایران» درباره انقلاب ایرانیان علیه رژیم سلطنتی

شاه چنین می‌گوید:

ضَاءَاتٍ وَ بِالْمُهَاجَاتِ تَفْرَشُ أَرْضَهَا بِالْمَكْرُمَاتِ النِّيْرَاتِ سَمَاوُهَا

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۰۷)

- آسمان (ایران) از کرامات نورانی گشته و این سرزمین غرق در خون است (ر.ک.

واقف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

بیت بالا مجاز به علاقه شباهت میان ایران و آسمان است.

سَلَى الْحَوَادِثَ وَالتَّارِيخَ هَلْ عَرَفَا حَقًّا وَرَأْيَا بغيرِ الْقُوَّةِ أَحْتَرَمَا

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۲۰۹)

- بپرس از اتفاقات و تاریخ و سرنوشت‌مان که آیا اتفاقات و تاریخ در مسیر خویش،

احترام به تفکر و حق را بدون دخالت قدرت دیده‌اند؟

بیت بالا مجاز به علاقه شباهت میان تاریخ و انسان آگاه است.

مجاز به علاقه مایکون

وَكَيْفَ وَأَطْفَالُكُمْ فِي الْعُرَا صِيغَتِ لِطِفْلِ السَّرَى الْمُهُودُ

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۷۴۳)

- و چطور فرزندان و کودکانان به منظور خدمت به اشرافزادگان پای به عرصه وجود گذاشتند

در بیت بالا به فرزند نوزاد اشاره و خدمتکار بالغ اراده شده است.

وَكَيْفَ عَلَيَّ كِسْرَاتِ الرَّغِيبِ يُغْفَرُ فِي كُلِّ يَوْمٍ شَهِيدٌ

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۷۴۳)

- و چطور هر روز برای هر تکه نان شهیدی نقش بر زمین می‌شود

در بیت بالا به فرزند انسان اشاره و شهید اراده شده است.

علاقه لازمیه

حاملُ في الصّدرِ نایا

بالأمانی والشّکایا

لا أريدُ «النای» أنّ

عازفاً أناً فأناً

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۴۱)

- من نمی‌خواهم «نای» زیرا خود در سینه‌ام «نی» دارم/ که گاهی با آرزوها و گلایه‌ها به نوا می‌افتد (ر.ک. واقف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

در بیت فوق، همراهی و التزام همیشگی نای و سخن اراده شده است.

يا ظلمةٌ قد طبقت مَوطِني دُومي فَشَعِبِي لا يُريدُ الصّباحَ

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۱۸۵)

- ای تاریکی و تیرگی‌هایی که سرزمین من را درنوردیده‌اید پایدار باش که ملت مرا هیچ اشتیاقی برای سپیده‌دم و طلوع ندارد

در بیت فوق، همراهی و التزام همیشگی ظلمت و بدبختی و سیه‌روزی اراده شده است.

جرحاً بأندلسٍ للانّ ما التأمّا

فاضت دُموعِ فلسطينَ مُذكرةً

(الجواهری، ۲۰۰۸: ۲۰۸)

- قطره قطره اشکی که از فلسطین می‌ریزد زخم‌های این سرزمین را یادآور

می‌شود. زخمی بر پیکر اندلس نشست و هیچ گاه تسکین نیافت

در بیت فوق، همراهی و التزام اشک و زخم آمده و جراحت اراده شده است.

نتیجه بحث

در این پژوهش به بررسی مجاز در شعر قیصر/امین پور و محمد مهدی الجواهری پرداختیم. بررسی‌ها نشان داد:

/امین پور به منظور ساختن تصاویر شعر از انواع مجاز بهره برده است. مهم‌ترین مجازهایی که وی از آن‌ها استفاده کرده است عبارت‌اند از جزئیّه، آلیّه، جنس، ما یکون، ما کان، شباهت، محلّیه، عام. در این میان توجه وی به مجاز به علاقه جزئیّه بیش از سایر مجازها بوده است.

/الجواهری نیز به منظور ساختن تصاویر شعر از مجاز بهره برده است. مهم‌ترین مجازهایی که وی از آن‌ها استفاده کرده است عبارت‌اند از محلّیه، آلیّه، کلیّه، جزئیّه، شباهت، لازمیه. در این میان توجه وی به مجاز به علاقه شباهت بیش از سایر مجازها بوده است.

توجه /امین پور به مجاز به علاقه جزئیّه نشان از ذهن جزئی‌نگر او دارد، و بیان‌گر این است که وی در جهان شاعرانه خویش در مناسبات پدیده‌ها دقت می‌کند و فراتر از کل را می‌نگرد.

تمایل /الجواهری به مجاز به علاقه شباهت نشان‌گر این است که ذهن شاعر در پی کشف مشابّهت‌ها و سخن گفتن از آن‌هاست.

کتابنامه

- امین پور، قیصر. ۱۳۶۳ش، *تنفس صبح*، تهران: نشر سروش.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۷ش، *گل‌ها همه آفتابگردان‌اند*، چاپ دهم، تهران: نشر مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۸ش، *آیین‌های ناگهان*، چاپ پانزدهم، تهران: نشر افق.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۸ش، *دستور زبان عشق*، چاپ نهم، تهران: نشر مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۹۰ش، *گزینه اشعار*، چاپ هفدهم، تهران: نشر مروارید.
- الجوری، عبدالله. ۱۹۶۸م، *الجواهری ونقد جوهرته: نظرات فی شعره و حیاته دراسة ونصوص*، بیروت: عالم الکتب.
- جرجانی، عبدالقاهر. ۱۹۵۴م، *اسرار البلاغة، تحقیق ه. ریتز، استانبول: هلموت.*
- الجواهری، محمدمهدی. ۲۰۰۸م، *دیوان الجواهری*، بغداد: دار الحرّیه.
- الخطیب القزوینی، جلال الدین محمد. ۱۹۳۲م، *التلخیص*، شرح عبدالرحمن برقوکی، مصر: بی نا.
- سکاک، ابو یعقوب. ۱۳۱۸ق، *دلایل الاعجاز*، مصر: دار المعارف.
- سنگری، محمدرضا. ۱۳۸۰ش، *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، تهران: نشر پالیزبان.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۳۱۸ق، *المطول فی الشرح التلخیص*، مصر: دار المعارف.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۵۰ش، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: نشر فاروس ایران.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۹۰ش، *بیان*، ویراست چهارم، تهران: نشر میترا.
- صدرحاج سید جوادی، احمد و دیگران. ۱۳۷۵ش، *دایرة المعارف تشیع*، تهران: نشر حجتی.
- العلوی یمینی، یحیی بن حمزه. ۱۴۰۰ق، *الطراز*، بیروت: المكتبة العصرية.

مقالات

- امیری، مرتضی. ۱۳۸۱ش، «*شاعر بی‌ضمیمه*»، مجله شعر، دوره ۱۰، شماره ۳۰.
- ایروانی زاده، عبد الغنی و اصلانی، سردار و روانشاد، علی اصغر. ۱۳۸۸ش، «*نقد مظالم اجتماعی در شعر جواهری*»، مجله نثرپژوهی ادب فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۲۳.
- شکارسری، حمیدرضا. ۱۳۸۱ش، «*شعر و اندیشه و تکنیک: نگاهی به اشعار قیصر امین‌پور در زمینه دفاع مقدس*»، مجله شعر، دوره ۱۰، شماره ۳۰.
- طیبیان، سید حمید. ۱۳۷۲ش، «*حقیقت و مجاز*»، نشریه فرهنگ (ویژه ادبیات و عرفان)، شماره ۱۴.
- علیزاده، ناصر و باقی‌نژاد، عباس. ۱۳۹۱ش، «*قیصر امین‌پور و رویکرد نوستالژیک*»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۲.

معمارزاده، پیمان و بیرانوند، نسرين. ۱۳۹۵ش، «صور خیال در اشعار قیصر امین پور»، مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره دوم، شماره دوم.
واقف زاده، شمسی. ۱۳۸۷ش، «تأثیر فرهنگ و ادبیات پارسی بر شعر محمد مهدی جواهری»، فصلنامه ادبیات تطبیقی جیرفت، شماره پنجم.

Bibliography

- Amiri, Morteza (1381). An inferior poet. Poetry magazine. The 10th part of the 30th.
- Aminpour, Qaisar (1387). The flowers are all sunflowers. Print tenth Tehran: Pearl Publishing.
- Aminpour, Qaisar (1388). Grammar Love. Ninth edition Tehran: Pearl Publishing.
- Aminpour, Qaisar (1388). Mirrors suddenly. 15th edition. Tehran: Publishing Afeg.
- Aminpour, Qaisar (1363). Morning breathing. Tehran: Soroush publication.
- Aminpour, Qaisar (1390). Choice of poems. Seventeenth edition. Tehran: Pearl Publishing.
- Iravanizadeh, Abdul Ghani and Aslani, Sardar and Ravan Shad, Ali Asghar, The Social Disadvantage in Javaheri Poetry (2009). Journal of Probate Literary Studies of Shahid Bahonar University of Kerman. new course. No. 26 Successive 23.
- Al Jubouri, Abdullah (1968). Al-Jawahiri and the critique of the essence, the views of the Phayr and the Hayat on the subject. Beirut: The Almighty.
- Jorjani, Abdul Qahir (1954). Esarar Balabagh. Investigate Ritter Istanbul: Helmut
- Al-Jawahiri, Mohammad Mehdi (2008). Divan al-Jawahiri Baghdad: Dar al-Hurriya.
- Sakaky, Abu Yaghoub (1318). Delaeil Allah. Egypt: The Encyclopaedia.
- Sangari, Mohammad Reza (1380). Review of Sacred Defense Literary Literature. Tehran: Palizban Publishing.
- Siouti, Jalal al-Din (1318). El-Moulullah for the benefit of the elves. Egypt: The Encyclopaedia.
- Shafiei Kotkani, Mohammad Reza (1350). Imaginary imagery in Persian poetry. Tehran: Iran Pharos Publishing.
- Shkarsry, Hamid Reza (1381). Poetry and thought and technique. Take a look at Kaiser Aminpour's poems about holy defense. Poetry magazine. The 10th part of the 30th.
- Shamsa, Sirus (1390). Expression. Fourth edition. Tehran: Mitra Publishing.
- Sidr Jajadi, Ahmad and others (1375). Shiite Encyclopedia. Tehran: Hojjati publishing house.
- Tabibian, Seyyed Hamid (1372). Truth and justice Culture magazine. (Special literature and mysticism). No. 14.
- Yamini Al-Alawi, Yahya ibn Hamza (1400). altraz. Beirut: Almktbh Alsryh.
- Alizadeh, Naser and Baqinejad, Abbas (1391). Qaisar Aminpour and Nostalgic Approach. Bostan Journal of Shiraz University. forth year. Second Successive 12.
- Al-Qazwini al-Khatib, Jalal al-Din Muhammad (1932). Altence Description of Abdolrahman Electrogi. Egypt
- Memar Zadeh, Peyman and Biranvand, Nasrin (1395). Imaginary imagery in the poems of Qaisar Aminpour. Journal of Literature Studies, Mysticism and Philosophy. Second Edition. Second.
- Wazifzadeh, Shamsi (2008). The Effect of Persian Culture and Literature on the Poetry of Mohammad Mehdi Javaheri. Journal of Comparative Literature Jiroft. Number fifth.

Application of Euphemism in Jawaheri and Aminpour's Poetries

Kheiriyeh Dammak Qasem

Assistant Professor, Persian Language & Literature, Faculty of Languages, Baghdad, Iraq

Anwar Abbas Majid

Assistant Professor, Persian Language & Literature, Faculty of Languages, Baghdad, Iraq

Abstract

Imageries are poets' achievement of awareness and experiment in their poetries. Literary men reflect their inner manners in their works by applying the environment they live in. thus their imagery is a window to know them and their poetries more and better. Kaiser Aminpour and Mohammad Mahdi Jawaheri both are Iranian and Arabic contemporary poets. Euphemism as a figure of speech is one of the figures which increases the speech's effect and influence as an inner factor (in poems). A study on euphemisms by two poets with two various nationalities not only presents their poetic images and world but also clarifies their thinking differences and similarities.

Keywords: Kaiser Aminpour, Mohammad Mahdi Jawaheri, poem, imagery, euphemism.